

اصول کنفرانس لاهه بر انتخاب قانون در قراردادهای تجاری بین‌المللی مصوب ۲۰۱۵

مترجمین: محسن صادقی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
sadeghilaw@ut.ac.ir

شراره دستمالچی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجاری بین‌المللی اقتصادی دانشگاه تهران
sh.dastmalchi@ut.ac.ir

بردارنده تمام امکانات لازم برای اجرا، تفسیر، حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد و یا خاتمه آن باشد، مشکلات بسیاری را برای طرفین قرارداد که عموماً بازرگانان و نه حقوقدانان هستند به همراه خواهد داشت. از این حیث و هم چنین با توجه به اینکه همواره پیشگیری بهتر از درمان خواهد بود توجه در انتخاب قانون حاکم بر این قبیل قراردادها باعث تسهیل روند اجرای قرارداد توسط طرفین آن خواهد شد و همین طور از مراجعه به مراجع حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی و یا اطلاع روند رسیدگی در مراجع داوری یا دادگاهها جلوگیری به عمل خواهد آورد و حسن اجرای قرارداد را به همراه خواهد داشت. چرا که ویژگی جدایی‌ناپذیر دنیای تجارت و علی‌الخصوص تجارت بین‌الملل سرعت و تسریع امور خواهد بود و در صورت حذف سرعت از روند تجارت بین‌الملل همگامی با بازارهای جهانی و تغییرات آن امری دشوار و دست‌نیافتنی

کنفرانس لاهه / قراردادهای تجاری / قانون حاکم.

چکیده

امروزه تلاش نظام حقوقی جهانی یکنواخت‌سازی قوانین حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی است. در این حوزه تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است و با توجه به افزایش روز افزون حجم این قبیل از قراردادها، اهمیت تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی دور از ذهن نیست. از جمله تلاش‌های حقوقی در این زمینه می‌توان به تصویب "اصول کنفرانس لاهه بر انتخاب قانون در قراردادهای تجاری بین‌المللی" [۱] در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد. از آنجا که قراردادهای تجاری بین‌المللی در بردارنده حداقل یک عنصر بین‌المللی خواهد بود، انتخاب قانون حاکم بر این قسم از قراردادها ظرافت و دقت مطلوبی را می‌طلبد، چرا که عدم انتخاب قانونی که کاملاً در

خواهد بود. با عدم تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجارتي بین‌المللی شاهد بروز تعارض قوانین خواهیم بود، چرا که برای انتخاب قانون حاکم بر قرارداد در طول تاریخ نظام‌های حقوقی رویه‌های گوناگونی پیشنهاد شده است از قبیل: قانون مقر دادگاه، قانون محل انعقاد قرارداد، قانون محل اجرای قرارداد... و این امر باعث سردرگمی مرجع رسیدگی‌کننده خواهد شد و حتی در مواردی انعقاد صحیح قرارداد و وجود آن را زیر سوال خواهد برد. برای مثال ممکن است در صورت عدم انتخاب قانون حاکم بر قراردادی که طرفین آن ایرانی و خارجی می‌باشد، تعیین این امر که قانون کدام کشور بر قرارداد حاکم خواهد شد به دشواری میسر باشد و مطابق قانون ایران قرارداد منعقد باطل بوده در حالیکه قانون کشور خارجی آن را کاملاً صحیح می‌داند. با توجه به تمامی این موارد، اهمیت تعیین قانون حاکم بر قرارداد و نقش آن در پیشگیری از بروز اختلافات در آینده قرارداد بیش از پیش نمود پیدا خواهد کرد.

با گذشت زمان و به آزمون و خطا گذاشتن تمام این رویه‌ها، اهمیت تعیین قانون حاکم بر قرارداد با در نظر گرفتن اختیار طرفین آن و اصل حاکمیت اراده با توجه به آشنایی بیشتر طرفین بر ظرایف و دقایق قرارداد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و این اصول به عنوان اولین سند قانونی حقوق نرم به منظور افزایش اختیار طرفین قرارداد در قراردادهای تجارتي بین‌المللی توسط کنفرانس لاهه در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی به توسعه و تصویب رسیده است، چرا که صالح‌ترین افراد برای تعیین قانون حاکم بر قراردادها طرفین یک قرارداد خواهند بود و به این ترتیب اطمینان حقوقی و شرایط تجارت موثر فراهم خواهد شد. هرچند پیش از این نیز تلاش‌هایی برای تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجارتي بین‌المللی در حوزه اتحادیه اروپا صورت گرفته بود، از قبیل مقررات رم یک، لیکن این مقررات در برخی موارد همراه با خلاءها یا پیچیدگی‌هایی بود که جامعه حقوقی را به بازاندیشی در این خصوص وا داشت. اصول لاهه، اصولی غیرالزام آورند که به عنوان راهنما در ایجاد، اصلاح و تفسیر رژیم‌های انتخاب قانون در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی به کار برده خواهند شد. آشنایی با این اصول از دو

جهت حائز اهمیت خواهد بود؛ یک از حیث نظری و دیگر از حیث کاربردی. با در نظر داشتن اهمیت نظری شناسایی این اصول می‌توان به این امر اشاره کرد که با توجه به سایر پیچیدگی‌های پیش رو در مسیر سرمایه‌گذاران بین‌المللی، تجار و مشاوران حقوقی، ترجیح این گروه‌ها بر این امر خواهد بود که با سرعت بیشتری از بحث‌های حقوقی عبور کرده و درگیر مسائل مربوط به حل تعارض قوانین نشوند. همین امر سبب خواهد شد تا شناخت این اصول سرعت‌بخش و تسهیل‌کننده راه باشد. همچنین شناسایی این اصول می‌تواند آغازگر و خمیر مایه بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تر توسط سایر دانشجویان و اندیشمندان حوزه حقوق قرار گیرد. از لحاظ کاربردی نیز شناخت این اصول می‌تواند راهکارهای تازه‌ای پیش روی حقوقدانان و مشاوران حقوقی برای انعقاد، اجرا و حل اختلافات احتمالی حاصل از قراردادهای تجارتي بین‌المللی قرار دهد. همچنین می‌توان آن را دریچه‌ای هرچند کوچک دانست که برای قانونگذار به منظور تصویب قوانین جدید و کارآمد و یا اصلاح قوانین موجود به شیوه‌ای مفید گشوده می‌شود. از این حیث آشنایی با این اصول و چگونگی استفاده از آن برای نظام‌های حقوقی که خواستار تسهیل تجارت بین‌الملل و همگامی با دنیای نوین حقوقی می‌باشند خالی از لطف نخواهد بود.

تصویب اصول کنفرانس لاهه مسیر بلند و دشواری را طی کرده است که می‌تواند نشان از دقت و به کارگیری تخصص حقوقدانان در این خصوص باشد. برای وضع اصول کنفرانس لاهه اولین بار در ژوئن ۲۰۰۶ کمیسیون ویژه در امور کلی و سیاست کنفرانس تصمیم به دعوت از دفتر دائمی به قصد مطالعه امکان سنجی توسعه سندی در ارتباط با انتخاب قانون در قراردادهای بین‌المللی گرفت. به این منظور کارگروه‌ها و کمیسیون‌های تخصصی‌ای توسط این دفتر تشکیل شد و پنج ملاقات در طی سال‌های شروع کار تا پایان آن با لاهه ترتیب داده شد تا نظارت قوی‌تر و بررسی‌های بیشتری نیز بر فرآیند تدوین اعمال شود. سرانجام در مارس ۲۰۱۵ اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجارتي بین‌المللی بدون هیچ اعتراضی در نوزدهم مارس ۲۰۱۵ رسماً به تصویب رسید.

۱. این سند، اصول کلی مرتبط با انتخاب قانون در قراردادهای تجارتي بين المللی را بيان می کند. اصولی که بیانگر اصل اراده طرفین قرارداد و استثنائات محدود وارد بر آن است.
۲. از این اصول می توان به عنوان سندی نمونه در سطح ملی، منطقه ای، فراملی یا بین المللی استفاده کرد.
۳. این اصول را می توان به قصد تفسیر، تکمیل و توسعه قواعد حقوق بین الملل خصوصی به کار برد.
۴. این اصول می تواند توسط دادگاه و مراجع داورى اعمال شود.

ماده یک

قلمرو اصول

۱. این اصول در خصوص انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی و در جایی که هر یک از متعاقدين، مشغول تجارت یا حرفه خود است، اعمال می گردد ولی بر قراردادهای مصرف کننده و استخدامی اعمال نمی شود.
۲. در راستای اهداف این اصول، یک قرارداد، بین المللی محسوب می شود مگر اینکه هر طرف قرارداد در کشور مشابه اقامت داشته باشند و روابط طرفین قرارداد و سایر ارکان مرتبط، بدون در نظر گرفتن قانون منتخب، تنها با همان کشور مرتبط باشد.
۳. این اصول شامل موارد ذیل نمی شود:
 - الف) اهلیت اشخاص حقیقی.
 - ب) موافقت نامه داورى و انتخاب دادگاه.
 - پ) شرکتها و سایر نهادهای مشارکتی و تراستها [۲].
 - ت) ورشکستگی.
 - ج) آثار تملیکی قراردادها.
- چ) این امر که آیا نماینده توانایی ملزم ساختن اصیل را نسبت به شخص ثالث دارد یا نه.

ماده دو

آزادی انتخاب

۱. قرارداد تابع قانون منتخب طرفین است.

۲. طرفین مختارند هر یک از موارد زیر را انتخاب کنند:

الف) قانونی که بر تمام یا بخشی از قرارداد حاکم باشد.

ب) انتخاب قوانین مختلف برای بخش های مختلف قرارداد.

۳. انتخاب قانون و یا تغییر آن در هر زمانی می تواند انجام شود.

انتخاب قانون یا تغییری که بعد از انعقاد قرارداد انجام

می شود نباید به اعتبار رسمی (تشریفاتى قرارداد) یا حقوق

اشخاص ثالث لطمه وارد کند.

۴. لازم نیست میان قانون منتخب با طرفین یا معامله آنها

ارتباطی وجود داشته باشد.

ماده سه

قواعد حقوقی

قانون منتخب طرفین می تواند مجموعه قواعد حقوقی باشد که به طور کلی در سطح بین المللی، فراملی یا منطقه ای به عنوان مجموعه ای از قواعد بی طرف و متوازن پذیرفته شده اند، مگر اینکه قانون مقر دادگاه طریق دیگری را بیان دارد.

ماده چهار

انتخاب صریح و ضمنی

انتخاب قانون یا هرگونه تغییر در قانون منتخب باید صریحاً صورت بگیرد یا از مفاد قرارداد یا اوضاع و احوال و شرایط آن به روشنی برآید. توافق طرفین برای اعطای صلاحیت به یک دادگاه یا مرجع داورى جهت تعیین تکلیف و حل اختلافات قراردادی، به خودی خود به منزله انتخاب قانون تلقی نمی شود.

ماده پنج

اعتبار رسمی انتخاب قانون

انتخاب قانون منوط به رعایت الزامات و تشریفات نیست مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.

توافق بر انتخاب قانون و نبرد فرمها [۳]

۱. منوط به رعایت بند (۲) این ماده
الف) یا طرفین توافق کرده‌اند که انتخاب قانون توسط قانونی صورت بگیرد که ظاهراً پیش از این بر آن توافق شده است
ب) اگر طرفین شروط استاندارد برای انتخاب دو قانون متفاوت به کار برده باشند و با توجه به این دو قانون شروط استاندارد یکسانی غالب باشد، قانونی که دربردارنده این شروط غالب می‌باشد اعمال می‌شود؛ اگر تحت حاکمیت این قوانین شروط استاندارد متفاوتی ارائه شود، یا اگر تحت حاکمیت یک یا هر دو این قوانین هیچ شروط استاندارد غالب نشود، هیچ انتخاب قانونی وجود ندارد.

۲. اگر بر اساس اوضاع و احوال، تعیین قانون حاکم بر قرارداد براساس قانون مذکور در بند (۱) این ماده، نامعقول و نامتعارف باشد، قانون کشوری که یکی از طرفین قرارداد در آن اقامت دارد، تعیین خواهد کرد که آیا او به انتخاب آن قانون راضی بوده است یا خیر.

ماده هفت**تجزیه پذیری**

نمی‌توان منحصرأ به این دلیل که قرارداد با اعمال قانون منتخب اعتبارش را از دست می‌دهد به انتخاب قانون اعتراض کرد.

ماده هشت**ممنوعیت احاله**

انتخاب قانون، به قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی مندرج در قانون منتخب طرفین، احاله نمی‌دهد مگر اینکه طرفین صراحتاً طریق دیگری را در نظر گرفته باشند.

قلمرو قانون منتخب

۱. قانون منتخب طرفین بر تمامی جوانب و ابعاد قرارداد میان آنها اعمال می‌شود از جمله موارد زیر که البته منحصر به این موارد نیست:
الف) تفسیر(قرارداد).
ب) حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد.
پ) اجرا و عواقب عدم اجرا، از قبیل ارزیابی خسارت.
ت) روش‌های متنوع کاستن تعهدات و مرور زمان و دوره‌های محدودیت.
ج) اعتبار و عواقب عدم اعتبار قرارداد.
چ) بار ادله اثبات ادعا و امارات حقوقی.
د) تعهدات پیش قراردادی.
۲. پاراگراف یک بند (ج) مانع اعمال هر قانون دیگری که از اعتبار رسمی قرارداد حمایت می‌کند نمی‌شود.

ماده ده**انتقال**

در فرضی که حقوق متعهدله در برابر متعهد قراردادی، انتقال می‌یابد:

الف) اگر طرفین قرارداد انتقال، قانون حاکم بر آن قرارداد را انتخاب کنند، این قانون حقوق و تعهدات مشترک متعهد له و منتقل‌الیه ناشی از قرارداد را شامل می‌شود.

ب) اگر طرفین قرارداد میان متعهد و متعهدله قانون حاکم بر قرارداد را انتخاب کنند، قانون انتخابی شامل این موارد می‌شود:

- اعم از اینکه انتقال علیه متعهد قراردادی قابل استناد باشد یا خیر.

- حقوق منتقل‌الیه نسبت به متعهد قراردادی.

- اعم از اینکه متعهد، بری الذمه شده باشد یا خیر.

1. Principles on choice of law in international commercial contracts (approved on 19 March 2015).
۲. Trust، به دلیل آشنایی ذهن حقوقدانان با این واژه و جلوگیری از به اشتباه افتادن خواننده به علت وجود اختلاف همیشگی بر سر انتخاب معادل فارسی برای این واژه از ذکر معادل فارسی خودداری شده است. نهاد تراست را می‌توان نهادی مشابه با امانت در نظام حقوق ایران در نظر گرفت.
۳. battle of forms، مطابق اصول یونیدروا اصل نبرد فرم‌ها (ماده ۲۲-۱-۲) بیان می‌دارد؛ در موردی که هر دو طرف از شروط استاندارد بهره می‌گیرند و جز در مورد شروط استاندارد، در بقیه موارد به توافق می‌رسند، قراردادی بر مبنای شروط توافق شده و هر شرط استاندارد که از نظر ماهیت بین طرفین یکسان باشد، منعقد می‌شود؛ مگر اینکه یکی از طرفین، پیشاپیش به وضوح بیان کند یا بعداً و بدون تأخیر غیر موجه به طرف دیگر اطلاع دهد که قصد ندارد به چنین قراردادی ملتزم باشد.
4. overriding mandatory rules.
5. public policy (ordre public).
6. establishment.

قواعد آمره مرجح [۴] و نظم عمومی [۵]

۱. این اصول مانع از این نخواهند شد که دادگاه، مقررات آمره حاکم بر مقر خود را - که صرفنظر از قانون منتخب طرفین - اعمال می‌شوند، اجرا کند.
۲. قانون مقر دادگاه است که تعیین می‌کند دادگاه چه زمانی می‌تواند یا باید مقررات آمره قانون کشور دیگر را اعمال کند یا بدان توجه نماید.
۳. دادگاه می‌تواند اعمال مقررات قانون منتخب طرفین را مستثنا کند تنها اگر و تا میزانی که اعمال این مقررات، مغایرت آشکار با مفاهیم بنیادین نظم عمومی مقر دادگاه داشته باشد.
۴. قانون مقر دادگاه است که تعیین می‌کند دادگاه چه زمانی می‌تواند یا باید نظم عمومی موجود در قانون یک کشور را - در فرض عدم انتخاب قانون (توسط متعاقدین) - اعمال کند.
۵. این اصول، مانع از این نخواهند شد که مرجع داور نظم عمومی یا مقررات آمره موجود در قانونی غیر از قانون منتخب طرفین را در صورت لزوم یا محق بودن اعمال کند یا بدان توجه نماید.

ماده دوازده**اقامتگاه [۶]**

اگر یکی از طرفین قرارداد بیش از یک اقامتگاه دارد، اقامتگاه مرتبط با هدف این اصول اقامتگاهی خواهد بود که نزدیک‌ترین رابطه را با قرارداد در زمان انعقاد آن دارد.